

Autopsy of America's Strategy and Goals in Russia's War with Ukraine

Mohamad Jamshidi^۱

Saiede Shams^۲

(Received: 14/04/2023 - Accepted: 08/08/2023)

Abstract

After the Russian invasion of Ukraine in February 2022, the United States of America tried to be at the forefront of the fight against Russian expansionism in Europe by creating an international diplomatic coalition against Moscow on the one hand and equipping and strengthening the Ukrainian military forces on the other hand. The question raised in this article is what strategy and goals does the United States pursue by accepting the leadership of the fight against Russia's presence in Ukraine? A review of the existing literature shows that American thinkers and policymakers are satisfied with generalizing about a series of principles of the Neoliberal system such as the "defense of democracy", "defense of liberal order" and "human rights" and have avoided explicitly stating the goals and interests of that country. However, the findings of this research, which were obtained by using the descriptive-analytical method of the available data, show that due to the focus of America's strategic policy on East Asia and China and the lack of strategic importance of Ukraine in the Western-oriented international order, Washington will soon sacrifice Ukraine and force it to accept some of Russia's demands.

Keywords: Russia-Ukraine war, US strategy, Principles of Neoliberal system, Regional and International order, European security.

^۱ Assistant Professor, Department of Regional Studies, University of Tehran, Tehran, Iran (Mjamshidi@ut.ac.ir)

Orcid Code: <https://orcid.org/0009-0005-7510-8790>

^۲ Ph.D. Student, Department of Regional Studies, University of Tehran, Tehran, Iran (S.shams@ut.ac.ir) **Corresponding Author**

Orcid Code: <https://orcid.org/0009-0001-7404-7122>

کالبدشکافی راهبرد و اهداف آمریکا در جنگ روسیه با اوکراین

محمد جمشیدی^۱

سعیده شمس^۲

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۵ - تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۰۵/۱۷)

چکیده

پس از تهاجم روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲، ایالات متحده آمریکا با ایجاد ائتلاف دیپلماتیک بین‌المللی علیه مسکو از یک سو و تجهیز و تقویت نیروهای نظامی اوکراین از سوی دیگر تلاش کرد تا در خط مقدم مبارزه با توسعه‌طلبی روسیه در اروپا قرار گیرد. پرسش مطرح شده در این مقاله آن است که ایالات متحده با قبول رهبری مبارزه با حضور روسیه در اوکراین چه راهبرد و اهدافی را دنبال می‌کند؟ بررسی ادبیات موجود نشان می‌دهد که اندیشمندان و سیاست‌گذاران آمریکایی به کلی‌گویی در باره یک سلسله از اصول نظام نئولیبرال مانند «دفاع از دموکراسی»، «دفاع از نظم لیبرالی» و «حقوق بشر» بسنده کرده و از بیان صریح اهداف و منافع آن کشور اجتناب داشته‌اند. با این حال، یافته‌های این پژوهش که با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی داده‌های در دسترس به دست آمد، نشان می‌دهد که با توجه به تمرکز سیاست راهبردی آمریکا بر شرق آسیا و چین و فقدان اهمیت راهبردی اوکراین در نظم منطقه‌ای و

۱. استادیار مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران، تهران، ایران (Mjamshidi@ut.ac.ir)

Orcid Code: <https://orcid.org/0009-0005-7510-8790>

۲. دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران، تهران، ایران (S.shams@ut.ac.ir)

Orcid Code: <https://orcid.org/0009-0001-7404-7122>

۴ فصلنامه تعاملات دیپلماتیک

بین‌المللی غرب محور، واشنگتن بزودی اکراین را قربانی و به پذیرش برخی از خواسته‌های روسیه مجبور خواهد کرد.

واژگان کلیدی: جنگ روسیه و اکراین، راهبرد ایالات متحده آمریکا، اصول نظم نئولیبرال، نظم منطقه‌ای و بین‌المللی، امنیت اروپا

مقدمه

تهاجم روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ باعث حمایت بین‌المللی از کیف شد و ایالات متحده آمریکا در خط مقدم این تلاش‌ها قرار گرفت. حتی قبل از عبور نیروهای روسیه از مرز مشترک با اوکراین، ایالات متحده و متحدانش ضمن مخالفت با آنچه "جاه‌طلبی‌های مسکو" خواندند، هشدار دادند که طیف وسیعی از تحریم‌های به‌اصطلاح «فلج‌کننده» را علیه روسیه اعمال خواهند کرد. هم‌زمان تلاش‌هایی برای بسیج ائتلاف دیپلماتیک بین‌المللی علیه مسکو و تقویت نیروهای نظامی اوکراین آغاز شد. با تهاجم نیروهای روسی به خاک اوکراین، ایالات متحده با ارسال تجهیزات نظامی، آغاز آموزش نیروهای مسلح اوکراین، ارسال کمک‌های اقتصادی، تحریک حمایت دیپلماتیک بین‌المللی علیه روسیه و استفاده از تحریم‌های هدفمند و گسترده، رهبری مقابله با روسیه را بر عهده گرفت. باگذشت زمان، فشار احزاب محافظه‌کار و دموکرات آمریکا برای تنبیه پوتین، تشدید لابی‌گری اوکراین برای دریافت کمک‌های نظامی بیشتر برای طراحی و اجرای حمله متقابل علیه نیروهای روسی و اخراج آن‌ها از خاک خود و در نتیجه افزایش تدریجی حمایت‌های دولت بایدن از کیف سبب شد تا تعهدات آمریکا نسبت به جنگ اوکراین به صورت فزاینده و تصاعدی افزایش یابد.

حال، پرسش این است که ایالات متحده با قبول رهبری مبارزه با حضور روسیه در اوکراین چه منافع استراتژیکی، منافع و راهبردهایی را دنبال می‌کند؟ با بررسی پیشینه ادبیات موجود در کشور به نظر می‌رسد، تاکنون تحلیل دقیقی از منافع استراتژیکی آمریکا در جنگ روسیه و اوکراین ارائه نشده است. اگرچه سیاست‌گذاران آمریکایی اهداف خاصی را برای آن کشور در قبال جنگ اوکراین مطرح کرده و توجیهات مختلفی برای اقدامات ایالات متحده ارائه داده‌اند. لیکن، جدای از کلی‌گویی درباره یک سلسله از اصول نظام نئولیبرال

مانند «دفاع از دموکراسی»، «دفاع از نظم لیبرالی» و «حقوق بشر»، بحث درخوری درباره راهبرد، اهداف و منافع ملی ایالات متحده در اوکراین وجود ندارد. به عبارت دیگر، ارتباط جنگ اوکراین با استراتژی کلان ایالات متحده و ارزیابی منافع احتمالی آن در برابر هزینه‌های سرسام‌آورش و وجود خطر واقعی رویارویی مستقیم نظامی با روسیه و تثبیت محور روسیه - چین و ایران در مباحث مطرح‌شده، مغفول مانده است. خلائی که این نوشتار تلاش دارد آن را پر نماید. هدف آن است تا با استفاده از تئوری روابط بین‌الملل، تاریخ دیپلماسی و مباحث استراتژی کلان ایالات متحده استدلال شود که ایالات متحده چه منافع اصلی در جنگ روسیه و اوکراین دارد. با این پیش‌فرض که عرصه روابط بین‌الملل همچنان "محیط هابزی" است که دولت‌ها با معادلات ناخوشایند و انتخاب‌های سخت در آن مواجه‌اند.

اهداف ادعایی سیاستمداران و مقامات ایالات متحده در جنگ اوکراین

درباره اهداف و منافع آمریکا در مداخله عجولانه و روزافزون در جنگ اوکراین، نظرات و دیدگاه‌های مختلف در میان سیاستمداران و اندیشمندان آمریکایی وجود دارد که می‌توان آن‌ها را به دو جریان کلی نسبت داد. یک جریان معتقد است ایالات متحده نمی‌تواند تهاجم روسیه به اوکراین را تحمل کند، چراکه گسترش تهدیدات علیه ایالات متحده را در پی خواهد داشت. به نظر در این جریان، اگر روسیه بتواند سیاست خود را در اوکراین بدون چالش پیش ببرد، به سادگی خواهد توانست بلندپروازی‌های خود را گسترش دهد و متحدان ایالات متحده را در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) به چالش بکشد و امنیت اروپا را با تهدیدی جدی مواجه کند. در همین راستا، «مایکل مک‌فول»، سفیر پیشین آمریکا در روسیه استدلال می‌کند که «ما منافع امنیتی در کمک به اوکراین برای شکست روسیه داریم. بگذارید خیلی ساده بگوییم: اگر پوتین در دونباس پیروز شده و تشویق به نفوذ بیشتر در داخل اوکراین شود، تهدیدی

کالبدشکافی راهبرد و اهداف آمریکا در... ۷

برای متحدان ما در ناتو خواهد بود» (Mcfal, 2022). همچنین «استفن هدلی»، مشاور امنیت ملی سابق ایالات متحده تأکید می‌کند که «امریکا تلاش دارد تا ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه را از این فکر بازدارد که می‌تواند در پنج یا ده سال آینده اقدام مشابهی را تکرار کند (Atlantic Council, 2022). این نگرانی شاید بتواند توضیحی برای این نکته باشد که چرا برخی در دولت بایدن خواستار «تضعیف روسیه» از طریق خونریزی در اوکراین هستند. به گفته سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا: «یکی از اهداف ما محدود کردن توانایی روسیه برای انجام مجدد چنین کاری از طریق تضعیف قدرت اقتصادی و نظامی آن برای تهدید و حمله به همسایگان است» (Council on Foreign Relations, 2022). «مارک میلی»، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا و بلندپایه‌ترین ژنرال آمریکایی نیز در این باره گفته است: «هدف حمایت آمریکا از اوکراین این است که روسیه آن‌چنان تضعیف شود که شاهد حمله دیگری از سوی این کشور نباشیم. آمریکا می‌خواهد روسیه را در مرحله انزوای سیاسی و ضعف اقتصادی و نظامی قرار دهد» (Polyakova, 2022).

دسته دیگری از سیاستمداران و تحلیل‌گران جریان یادشده، جنگ اوکراین را نه صرفاً برای روسیه بلکه برای بزرگنمایی بالقوه بازیگران دیگر به‌ویژه چین ارتباط می‌دهند. بایدن خود نسخه‌ای از این ادعا را ارائه کرد و در مارس ۲۰۲۳ نوشت: «اگر روسیه بهای سنگینی برای اقدامات خود نپردازد، این پیام را به سایر متجاوزان احتمالی خواهد داد که آن‌ها نیز می‌توانند سرزمین‌ها را تصرف کنند و کشورهای دیگر را تحت سلطه خود درآورند» (New York times, 31may2022). او در جای دیگری گفته است که «ما در طول تاریخ خود آموخته‌ایم که وقتی دیکتاتورها بهای تهاجم خود را نپردازند، هرج و مرج بیشتری ایجاد می‌کنند و درگیر تجاوز بیشتری می‌شوند» (Bertrand, Atwood, Liptak And Marquardt, 2022). «مایکل مک کال»، نماینده مجلس نمایندگان آمریکا نیز دیدگاه مشابهی دارد. به نظر وی

«عدم اقدام در اوکراین، تسلیم شدن ایالات متحده را در برابر حریف طلبی نشان می‌دهد و ولادیمیر پوتین و دیگر همتایان خودکامه‌اش را جسورتر می‌کند تا به این نتیجه برسند که ایالات متحده نمی‌تواند در مقابل جریان مشابهی از کیف تا تاپیه ایستادگی کند» (thiessen, 2022).

جریان دوم با در نظر گرفتن مسیری متفاوت، ادعا دارد که ایالات متحده منافع پایدار در اوکراین دارد، زیرا جنگ اوکراین «نظم بین‌المللی لیبرال» را به شدت تحت تأثیر قرار خواهد داد. در امتداد این خط فکری و سیاسی، آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا معتقد است: «قوانین حیاتی نظم بین‌المللی که برای حفظ صلح و امنیت حیاتی است، با تهاجم بی‌دلیل و غیرموجه روسیه به اوکراین مورد آزمایش قرار گرفته است» (Crowley, 2021). به نظر این جریان، منطقی دوگانه در اینجا حاکم است: نخست، عدم حمایت از اوکراین، حمایت آمریکا از دموکراسی‌های سراسر جهان را زیر سؤال می‌برد و در نتیجه قابلیت دموکراسی را به‌عنوان راهی برای سازمان‌دهی زندگی سیاسی جوامع تضعیف می‌کند. به گفته بایدن «جنگ اوکراین بخشی از نبرد دائمی بین دموکراسی و خودکامگی و بین آزادی و سرکوب است». بنابراین، عدم کمک به اوکراین، ایالات متحده را از این رقابت باز خواهد داشت (Feldstein, 2022).

دوم، اقدام روسیه در حمله به اوکراین نوعی به چالش کشیدن اصول و هنجارهای نظم حاکم بین‌المللی است که بر اساس آن، دولت‌های قدرتمند نباید از زور برای تحمیل قدرت خود بر بازیگران ضعیف‌تر استفاده کنند و نقض حاکمیت دولت‌ها نباید تحمل شود، چراکه اساساً نظم لیبرال بر اساس آن بنا شده است. بنابراین، بیم آن می‌رود که نادیده گرفتن تجاوز روسیه به اوکراین به این نتیجه منتج شود که «نظم بین‌المللی» تحت حمایت ایالات متحده در پس از

جنگ دوم جهانی تضعیف شود (Tharoor, 2022). «آن اپلبام»^۱ با درک این نگرانی تأکید دارد: «ایالات متحده باید در درگیری اوکراین سرمایه‌گذاری کند، زیرا درک واقع‌بینانه و صادقانه از این جنگ آن است که اکنون با کشوری مواجه هستیم که بدخواه است و به دلایل ایدئولوژیک به دنبال گسترش قلمرو خود است. به پایان دادن به حضور آمریکا در اروپا تمایل دارد و می‌خواهد به حیات اتحادیه اروپا پایان دهد و ناتو را تضعیف کند. این دیدگاه نسبت به جهان به‌طور بنیادین با دیدگاه ما تفاوت دارد. بنابراین، به زبان ساده، انفعال خطر تقویت اصول و هنجارهای جایگزین نظم بین‌المللی لیبرال را به همراه خواهد داشت و تهدیدی برای ایالات متحده آمریکا و ارزش‌های آن خواهد بود (Atkins stohr, 2022).

تجزیه و تحلیل اهداف اعلامی آمریکا

اهداف اعلامی دولتمردان و سیاستمداران آمریکایی از زمان شروع جنگ اوکراین تاکنون بدون تغییر و برخورد با چالشی واقعی ادامه داشته است. در این مدت، دولت ایالات متحده با برجسته کردن تهدیداتی همچون احتمال تشدید تصاعدی برخورد محدود نظامی با روسیه به جنگ فراگیر جهانی، سیاست‌های خود را در قبال جنگ اوکراین پیش برده است. با وجود این، بسیاری از تحلیلگران بر این باورند که درباره تهدیدات اعلامی بسیار بزرگنمایی شده و خطرات کمتر از آن حدی هستند که بازنمایی می‌شوند. به نظر آنان، ولادیمیر پوتین و دولت روسیه دقیقاً می‌دانند که جنگ مستقیم با ایالات متحده و متحدانش نوعی انتحار خواهد بود. بنابراین از پیشامد چنین رخدادی اجتناب دارند، مگر اینکه آمریکا و اروپا به‌طور مستقیم وارد جنگ اوکراین شوند. به‌زعم این تحلیل‌گران هیچ‌یک از اهداف و منافع اعلامی ایالات متحده در جنگ اوکراین مورد ارزیابی دقیق و کارشناسانه قرار نگرفته‌اند

^۱AN Opelbam

(Fontaine,2022).

برای مثال، دولتمردان آمریکایی بر این نگرانی تأکید دارند که عدم اقدام قاطعانه امریکا و متحدان اروپایی آن در مقابله با روسیه در جنگ اوکراین به سادگی می‌تواند اشتباهی روسیه را برای تجاوز به اروپا تحریک کند و در نهایت به حمله نظامی مسکو به متحدان آمریکا در ناتو منجر شود. این نگرانی، سؤال برانگیز و آمیخته با نوعی تردید است. زیرا اگرچه ممکن است برخی دولت‌ها در مواقعی و تحت سیطره نخبگانی خاص متقاعد شوند که تهاجم به خاک دیگر کشورها می‌تواند ارزان، آسان و بارز باشد. لیکن امروزه چه در نظام داخلی کشورها و چه در نظام بین‌الملل، محدودیت‌هایی وجود دارد که می‌تواند جاه‌طلبی‌ها یا رفتارهای هنجارشکنانه کشورهای مثل روسیه را کنترل کند (Kydd,2022).

نتایج به دست آمده از چند نسل پژوهش‌های بین‌المللی درباره جنگ‌ها نشان می‌دهد، دولت‌هایی که با یک بازیگر جاه‌طلب نظامی مواجه‌اند، به سوی برقراری توازن تمایل پیدا می‌کنند و فرصت‌های آن کشور را برای تهاجم بیشتر زیر نظر می‌گیرند و مور ارزیابی قرار می‌دهند. این نوع رفتار در نظام بین‌المللی آنارشیک، منعکس‌کننده این واقعیت است که دولت‌های دارای منافع مشترک، امنیت خود را از طریق ائتلاف با یکدیگر تضمین می‌کنند و ترغیب می‌شوند تا تحرکات متجاوزان بالقوه را خنثی کنند. در نتیجه، رفتار گانگستری که در آن، دولت‌های ضعیف و یا در معرض تهدید، تسلیم دولت متجاوز شوند، نادر رخ می‌دهد و حتی شکست یک کشور، شکست آبخاری کشورهای دیگر را در پی ندارد. اساساً در جهان امروز دولت‌ها دومینووار سقوط نمی‌کنند. چنین روندی در اروپای امروز قابل مشاهده است، جایی که تهاجم روسیه به اوکراین سبب شد تا کشوری همچون آلمان با افزایش بودجه دفاعی خود به بازسازی قدرت نظامی‌اش سرعت بخشد و کشورهای نظیر سوئد، فنلاند و ... نیز به پیوستن به ناتو ترغیب شوند. مهم‌تر از آن، نشانه‌هایی از علاقه به تشکیل ارتش اروپایی و

خوداتکایی نظامی در برخی از کشورهای منطقه به وجود آمده است (Altman,2022).

جدای از تحولات مزبور، توزیع قدرت در اروپا به نحوی است که چند دولت این قاره قادرند به تنهایی یا جمعی محاسبات کوتاه یا میان مدت روسیه را تحت الشعاع قرار دهند. علاوه بر این، با توجه به تجربه جنگ‌های قرن بیستم به نظر می‌رسد که در جنگ مدرن، عملیات نظامی تدافعی مطلوب‌تر و موفقیت‌آمیزتر از عملیات نظامی تهاجمی است. استفاده از سلاح‌های تدافعی ضدتانک و موشک‌های هدایت‌شونده امکان برقراری توازن در هرگونه نبردی را در اختیار طیف وسیعی از دولت‌ها و حتی بازیگران غیردولتی می‌دهد. نتیجه آن‌که این نگاه قوت گرفته است که مقاومت در برابر تجاوز امکان‌پذیر بوده و می‌تواند نتیجه‌بخش باشد. بنابراین، چنانچه روسیه در اندیشه تهاجم به اروپا در آینده باشد با مقاومت فزاینده‌ای مواجه خواهد شد که می‌تواند بسیار فلج‌کننده باشد. فرد ریسک‌پذیر و بی‌پروایی همچون پوتین هم نمی‌تواند چنین محدودیت‌هایی را نادیده انگارد. با این حال، حتی اگر پوتین و جانشینان وی در ارزیابی محدودیت‌های موجود دچار اشتباه محاسباتی شوند، زیبایی توازن قوا در آن است که متجاوزان خیلی زود با مقاومتی روبرو می‌شوند که تحرکات آن‌ها را خنثی می‌کند (Schweller,2023).

در یک کلام، ۲۸ عضو ناتو در اروپا، توانمندی‌ها و امکانات لازم را برای برقراری توازن در مقابل قدرت نظامی روسیه در اختیار دارند (Parker and Rauhala,2022). صحت این موضوع در قبال تجاوز احتمالی روسیه علیه سایر اعضای ناتو دوچندان می‌شود. جدای از تلاش‌ها برای کمک به اوکراین، روند ائتلاف کشورهای اروپایی برای مقابله با تجاوز احتمالی روسیه به حد بی‌سابقه‌ای در ۲۰ سال گذشته رسیده است. خط‌مشی اعلام‌شده و روندهای نظامی در حال ظهور نشان می‌دهد که اعضای ناتو به‌طور فزاینده‌ای متعهد به دفاع از آن چیزی هستند که جو بایدن، رئیس‌جمهور امریکا «هر وجب از خاک

ناتو» نامیده است (Lawless, Wilson and Corbet, 2022). بنابراین، جنگ اوکراین کاملاً آشکار کرده است که اگر روسیه بخواهد اقدامی علیه یکی از اعضای ناتو انجام دهد در معرض خطر ائتلاف متوازن کشورهای اروپایی (خارج از قلمرو هسته‌ای) مواجه خواهد شد. در مجموع، قرائن و شواهد محکمی وجود دارد تا سیاست‌گذاران و دولتمردان روسی را نسبت به نتایج تجاوزهای بیشتر در اروپا و میزان موفقیت‌آمیز بودن آن دچار تردید کند. به همین دلیل، نتایج جنگ اوکراین نمی‌تواند برای خنثی کردن جاه‌طلبی‌های روسیه تعیین‌کننده باشد.

چنین مشکلی در خصوص هدف اعلامی دیگر آمریکایی‌ها هم وجود دارد، خصوصاً این ادعا که عدم اقدام در جنگ اوکراین و مقابله مؤثر با روسیه باعث می‌شود، سایر کشورها به‌ویژه چین به این نتیجه برسند هزینه تجاوز را به جان بخرند. با این منطق، جهان مملو از کشورهای متجاوز بالقوه‌ای تصور می‌شود که همه آن‌ها فقط از ترس واکنش آمریکا از تحقق نیت خود پرهیز دارند. بر اساس چنین منطقی، وقوع تجاوز در هر نقطه از جهان را باید متضمن تهدیدی مستقیم علیه منافع حیاتی ایالات متحده دانست. بنابراین، ایالات متحده برای جلوگیری از وقوع هر تجاوزی در جهان باید در اوکراین وارد عمل شود. ماحصل چنین استدلالی آن است که ایالات متحده باید نقش پلیس جهانی را ایفا کند و لحظه‌ای آرام نگیرد (Walt, 2022). اما مدت‌هاست که فکر ایفای نقش پلیس جهانی در آمریکا به کنار گذاشته شده و در اندیشه تحلیلگران و در سیاست‌های سیاست‌گذاران آمریکایی جایی ندارد، چراکه واجد نقایصی چند است:

نخست، همان‌طور که استفان والت اشاره کرده است: «تاریخ مملو از کشورهای متجاوز است که هزینه‌های گزافی برای رفتار تجاوزکارانه خود پرداخت کرده‌اند. برای مثال آلمان شکست‌خورده، اشغال و دوپاره شده پس از جنگ دوم جهانی و یا امپراتوری ژاپن که در اثر بمباران اتمی چند صد هزار نفر از

کالبدشکافی راهبرد و اهداف آمریکا در... ۱۳

نفوسش کشته شدند. با وجود این نمونه‌ها، تجاوز در سیاست بین‌الملل به‌مثابه واقعیت انکارناپذیر همچنان ماندگار است، زیرا حتی زمانی که متجاوز می‌شکست می‌خورد، دیگران به راحتی عبرت نمی‌گیرند (Ibid).

دوم، مجموعه‌ای از تحقیقات گسترده نشان می‌دهد که محاسبات دولت‌ها نه بر اساس برداشته‌های کلی از چگونگی واکنش یک قدرت بزرگ، بلکه بر اساس قضاوت‌های بینامتنی و با توجه به توزیع قدرت و منافع شناخته شده بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی شکل می‌گیرد. امروزه، تجاوزها تغییر یافته و محلی و منطقه‌ای شده‌اند. بنابراین، ایالات متحده می‌تواند بدون تسری خطر تجاوز به سایر مناطق، جنگ اوکراین را نادیده بگیرد و مسئولیت مقابله با چنین تجاوزهایی را به بازیگران توانمند محلی واگذارد که علاقه‌مند به ایفای چنین نقشی هستند. برای مثال، پکن در میان رقبای بالقوه آمریکا، احتمالاً بیشتر از ایالات متحده، ژاپن، کره جنوبی، تایوان، هند، استرالیا و ... به آنچه در منطقه آسیا رخ می‌دهد، توجه دارد و به آن‌ها اهمیت می‌دهد. همچنین، قابلیت انجام بهتر کارهای را دارد که آمریکا از ۴۰۰۰ مایل دورتر درصدد انجام آن است (O'Rourke, 2020). به‌طور کلی، تحلیل‌گرانی که نتیجه جنگ اوکراین را عامل تعیین‌کننده در انتخاب کشورها بین جنگ یا صلح می‌دانند شرایط ژئوپلیتیک کشورها را نادیده می‌گیرند که تأثیر بی‌چون و چرایی بر شکل‌گیری منافع و بزرگنمایی فرصت‌های آن‌ها دارد.

سوم، باید به این اندیشه با تردید نگریست که تجاوز در هر نقطه‌ای از جهان، تهدیدی علیه ایالات متحده است. نگاهی گذرا به تاریخ سیاسی جهان نشان می‌دهد که ایالات متحده به خاطر موقعیت جغرافیایی خود به‌طور واقعی کمتر از سوی کشوری متجاوز هدف تجاوز و تهدید قرار گرفته است. جنگ روسیه و گرجستان، لشکرکشی عربستان به یمن، جنگ بین اتیوپی و اریتره و درگیری در سایر نقاط جهان در سال‌های اخیر تأثیر اندکی بر سطح رفاه در آمریکا داشته است. در گذشته، ظهور یک هژمون اروپایی-آلمان نازی و شوروی - لازم بود تا

ایالات متحده را به دو جنگ جهانی و جنگ سرد بکشاند. لیکن حتی در آن زمان نیز وجود تهدید استراتژیک علیه ایالات متحده، ابرقدرتی که به وسیله دره‌های عمیق اقیانوسی احاطه شده و زرادخانه بزرگ هسته‌ای در اختیار دارد، در هاله‌ای از ابهام قرار داشت. در نهایت، حتی اگر این موضوع حقیقت داشته باشد که ایالات متحده در جلوگیری از بیشتر تجاوزها در سطح بین‌المللی ذی‌علاقه است، اما این بدان معنا نیست که دخالت بیشتر در اوکراین تنها یا بهترین راه‌نشان دادن عزم ایالات متحده برای مقابله با هرگونه عمل تجاوزگری خواهد بود. ایالات متحده می‌تواند گام‌هایی برای تقویت توانایی‌های خود جهت خنثی کردن تجاوزها در سطح جهانی بردارد و بدون توجه به آنچه در اوکراین اتفاق می‌افتد، تعهد خود را با تنبیه روسیه از طریق ترغیب استقرار ناتو در اروپای شرقی و اعمال و حفظ تحریم‌های هدفمند علیه مسکو نشان دهد. لیکن چنین روندی نمی‌تواند تا ابد ادامه یابد، چراکه عصر ایفای نقش پلیس جهانی امریکا به سر آمده است (Adesnik, 2020).

تهدید علیه نظم لیبرال

این نظر و ادعا که غفلت از اقدام مناسب در حمایت از اوکراین در جنگ با روسیه نظم لیبرال بین‌المللی را تضعیف می‌کند نیز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. اگرچه ایالات متحده همواره مدعی ترویج دموکراسی در جهان بوده است، اما این انگیزه در گذر زمان تحت‌الشعاع استلزامات ژئوپلیتیک قرار گرفت و تعدیل یافت. ایالات متحده در طول جنگ سرد، دولت‌های منتخب مردمی را در ایران، گواتمالا، شیلی و ... سرنگون کرد، با حکومت‌های مستبدی همچون یونان، تایوان، کره جنوبی، ویتنام جنوبی و عربستان سعودی تعامل داشت و از کنار عقب‌ماندگی دموکراسی در کشورهای متحد اصلی خود از جمله در مجارستان، لهستان، پاکستان و ترکیه با تسامح عبور کرد. در واقعیت، واشنگتن هرگز دفاع از دموکراسی را محور سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی خود قرار نداده و

منافع خود را به آن گره زده است (Luscurettes,2012). حال، مسئله این است که حمایت از دموکراسی در کشوری همچون اوکراین چگونه می‌تواند اهداف آمریکا را پیش ببرد.

تأکید بر اینکه نظم لیبرال فعلی، ایالات متحده را ملزم به دفاع از اوکراین می‌کند، نوعی وارونه‌انگاری منطقی است و فرآیندهایی را که نظم لیبرال را توسعه و تعمیق بخشیده، نادیده می‌گیرد. واقعیت تاریخی آن است که مداخله پنهانی آمریکا از طریق دیپلمات‌ها و جاسوسان برای تغییر رژیم در برخی از کشورها در دوره جنگ سرد باهدف بزرگ‌تر مبارزه با کمونیسم بود نه استقرار دموکراسی. اگرچه رهبران آمریکا استدلال می‌کنند که ایالات متحده باید دفاع از دموکراسی‌ها را به بخشی از اهداف محوری خود تبدیل کند تا مبادا ریزش‌های دموکراتیک در سال‌های آینده متراکم شود (U.S.Senate Committee on Appropriations,2020). در خصوص مداخله آمریکا در جنگ اوکراین مشکل اینجاست که "کیف" در حد و اندازه‌ای نیست که میزان تعهد آمریکا به حفظ نظم لیبرال و گسترش دموکراسی در جهان را نشان دهد حسن نیت دولت کنونی اوکراین در استقرار دموکراسی در این کشور بشدت مورد تردید است (Ibid). ارزیابی‌های مؤسسات مستقلی همچون "خانه آزادی"، "پروژه پولیتی" یا "پروژه انواع دموکراسی" (V-Dem) در ارزیابی‌های مستمر خود کیفیت روند دموکراسی در اوکراین را همواره پایین‌تر از حد نرمال ارزیابی کرده‌اند. به‌عنوان مثال، پروژه پولیتی از عنوان "دموکراسی نوپا" برای اوکراین استفاده کرده و خانه آزادی آن را در فهرست "رژیم ترکیبی" با ۳۹ درصد دموکراسی جای داده است (Berger And khudov,2022). فساد، محدودیت آزادی مطبوعات، مسائل مربوط به شفافیت و صداقت قضایی و «فقدان حاکمیت قانون» همگی از زوایای آشکار و نهان حکومت اوکراین به شمار می‌روند. نواقص و کاستی‌هایی که باگذشت زمان برطرف نشده‌اند. پروژه انواع دموکراسی نشان می‌دهد که امتیازات دموکراسی اوکراین از زمان استقلال در

محدوده متوسط حرکت می‌کند، در حالی که پروژه پولیتی نشان می‌دهد که میزان دموکراسی اوکراین از سال ۲۰۰۶ رو به کاهش بوده است. این احتمال وجود دارد که درگیری‌های درون‌نخبگانی و سرکوب مخالفان سیاسی که در بیشتر دهه گذشته جریان داشت با کاهش شدت تهاجم روسیه دوباره به روند عادی سیاست دولت اوکراین تبدیل شود (Lawfare, 29 July 2018).

خلاصه آن‌که اگر کسی استدلال کند سرنوشت نظم لیبرال به حمایت فعال ایالات متحده از دموکراسی‌های لیبرال بستگی دارد، اوکراین امروز دلیل ضعیفی برای اثبات این تعهد است. بر این اساس، استدلال‌های مبتنی بر اینکه عدم مقابله با روسیه در اوکراین، هنجارها و اصول عملیاتی (نظم لیبرال) را تضعیف می‌کند به همان اندازه مشکل سازند. همان‌طور که «پاتریک پورتر»، «پل استانیلند» و دیگران نشان دادند، نظم لیبرال هرگز عاری از خشونت و نقض حاکمیت دولت‌ها نبوده است. تاریخ آمریکا مملو از خشونت و به چالش کشیدن حاکمیت دولت‌های دیگر و حمایت از نظام‌های استبدادی و ضد مردمی بوده است. حمایت از اسرائیل در مقابل مردم فلسطین و پشتیبانی همه‌جانبه از لشکرکشی عربستان به یمن و ده‌ها مورد دیگر از نمونه‌های بارز پارادوکس موجود در نظم لیبرالی است (Porter and staniland, 2023).

نظم لیبرال ظرفیت قابل توجهی برای تحمل طیف وسیعی از خشونت‌های درون و برون دولتی و سایر رفتارهای مغایر با اصول عملیاتی مفروض خود را نشان داده است. نگاهی گذرا به تاریخ، این روند را آشکار می‌کند. نظم لیبرال آمریکا و متحدانش در جنگ روسیه و گرجستان و جنگ بوسنی آن‌قدر تعلل کرد تا کشتار و خونریزی به پایان رسید. از این منظر، تهاجم روسیه به اوکراین تهدید چندانی برای نظم مستقر محسوب نمی‌شود، بلکه تجلی وحشیانه‌ای از نوعی خشونت و نقض‌هایی است که از مدت‌ها پیش در درون این نظم وجود داشته است. بنابراین، ادعاها درباره این‌که تجاوز روسیه به اوکراین، نقض اصول نظم لیبرال را به دنبال داشته، مقرون به حقیقت نیست (Judsun, 2022).

سیاست آمریکا در اوکراین: خروج از استراتژی بزرگ

حامیان سیاست گسترش گرایی ایالات متحده استدلال می‌کنند که اصول بنیادین استراتژی کلان ایالات متحده، حمایت از اروپاست و این استراتژی، دخالت آمریکا در اوکراین را الزامی می‌کند. در این دیدگاه، علاقه دیرینه ایالات متحده به جلوگیری از ظهور هژمون منطقه‌ای در اوراسیا و یا ساختن آنچه بیل کلینتون، رئیس‌جمهور سابق آمریکا آن را اروپا «یکپارچه، آزاد و در صلح» می‌نامید، ممکن است مستلزم ناکام گذاشتن روسیه از طریق تعمیق حمایت از اوکراین باشد. با این حال، نه تنها هیچ‌یک از این دو موضوع در اوکراین در معرض خطر جدی نیست، بلکه هم‌انگیزه فعلی در سیاست ایالات متحده و هم دخالت بیشتر احتمالی آن در جنگ اوکراین از جنبه‌های کلیدی با اهداف مزبور در تضاد است. ایالات متحده از مدت‌ها قبل برای جلوگیری از ظهور هژمون منطقه‌ای در اوراسیا اقدام کرده است (Shalal, 2022).

با این حال، روسیه امروز آمادگی لازم را ندارد تا نقش هژمون منطقه‌ای را ایفا کند و در آینده قابل پیش‌بینی نیز چنین آمادگی نخواهد داشت. اگرچه این کشور زرادخانه هسته‌ای چشمگیر و مجتمع نظامی - صنعتی عظیمی در اختیار دارد، لیکن اقتصاد آن از ایتالیا کوچک‌تر است. بخش بزرگی از سرزمین این کشور در سبیری و... نامطلوب و کم‌بازده است. سابقه دشمنی با همسایگان، آن را در معرض تهدید قرار داده و در داخل با معضل جمعیتی دست‌به‌گریبان است. عملکرد این کشور در اوکراین نشان می‌دهد که مسکو نه تنها برای تبدیل قدرت بالقوه و نهفته خود به نیروهای نظامی شایسته و کارآمد با مشکلات زیادی مواجه است بلکه در ایجاد شرایط دیپلماتیک مساعد برای افزایش دامنه سیاسی خود نیز ناتوان است. این شرایط پس از گذشت بیش از یک سال از جنگ اوکراین وخیم‌تر هم شده است، چراکه بسیاری از بهترین تسلیحات و هزاران نفر از بهترین سربازان خود را در اوکراین از دست داده است. همچنین اثر آسیب‌های ناشی از تحریم‌های سنگین غرب

به تدریج در حال سر برآوردن است و احتمالاً بهبود سریع اوضاع را غیرممکن خواهد ساخت (Garamone, 2022).

علاوه بر این، سایر بازیگران منطقه‌ای چه به تنهایی و چه به صورت ائتلافی از ظرفیت بالقوه کافی برای مقاومت در برابر روسیه برخوردارند. برخلاف اتحاد جماهیر شوروی آخرین تهدید هژمونیک برای اروپا - که می‌توانست نیروهای مستقر خود در اروپای شرقی را ظرف چند هفته به ساحل اقیانوس اطلس برساند، لیکن امروزه ارتش روسیه بیش از ۱۶۰۰ کیلومتر دورتر مستقر هستند. حتی اگر روسیه نیروهای در دسترس داشته باشد که ندارد و نخواهد داشت، نسبت به زمانی که اروپا آخرین بار با تهدید هژمونیک بالقوه مواجه شد، فاصله و زمان بیشتری برای واکنش و پاسخگویی به هرگونه تهدیدی خواهد داشت. نکته مهم آن است که پیروزی روسیه در اوکراین این وضعیت را تغییر نخواهد داد. حتی اگر تمام منابع اوکراین به روسیه اضافه شود، اقتصاد این کشور همچنان کوچک‌تر از ایتالیا خواهد بود و جمعیت آن به‌سختی در مجموع به جمعیت فرانسه، آلمان و لهستان خواهد رسید. نیروهای روسی نیز بیش از ۶۰۰ کیلومتر دورتر از جایی خواهند بود که همتایان شوروی آن‌ها در دوره جنگ سرد بودند و در صورت هرگونه تحرکی باید از سراسر خاک اروپای شرقی عبور کنند که با ناملایمات بسیار مواجه خواهند شد (Bwila, 2022).

بنابراین، هر اتفاقی که در اوکراین بیفتد، روسیه قادر نیست بر قاره اروپا تسلط یابد و صرفاً رقیب ژئوپلیتیک بسیار کوچک‌تری نسبت به اتحاد جماهیر شوروی در دوره جنگ سرد باقی خواهد ماند. ایالات متحده ممکن است بخواهد از ظهور هژمون در اوراسیا جلوگیری کند که ساختار سیاسی اروپا این مشکل را حل کرده است. در هر صورت، سیاست آمریکا در اوکراین ممکن است به هدف جلوگیری از ظهور هژمون در اوراسیا تقلیل یابد. اما مشکل دیگر روسیه نیست، بلکه چین است. در اثر فشارهای سنگین ایالات متحده و اروپا به روسیه، مسکو به‌طور فزاینده به کمک‌های اقتصادی و نظامی و حمایت دیپلماتیک

چین روی آورده است. این وضعیت به نفع چین است به طوری که پکن می‌تواند شرایط تجاری مطلوب خود را به مسکو تحمیل کند، دسترسی به بازار روسیه را برای کالاها و خدمات چین افزایش دهد و به اهرم سیاسی دست یابد که ممکن است به‌زودی به حمایت دیپلماتیک روسیه از منافع چین تبدیل شود. این وضعیت می‌تواند استراتژی کلان ایالات متحده را که به همراه متحدانش، کاهش رشد اقتصادی چین و محدود کردن دامنه ژئوپلیتیک پکن را دنبال می‌کنند، بسیار بغرنج و پیچیده نماید (Scor, 2022).

در جبهه نظامی نیز تعهد بی‌پایان ایالات متحده در اروپا و استقرار نیروهای زمینی، هواپیماهای ضربتی، کشتی‌های دریایی و عناصر پشتیبانی بیشتر در این منطقه که در مجموع نیروی ایالات متحده را به حدود ۱۰۰۰۰۰ نفر رسانده، به این معناست که منابع و امکانات لازم برای مقابله و رقابت با چین در دسترس نیستند. تفاوت در این است که تقویت اروپا عمدتاً با نیروهای زمینی است، در حالی که نبرد با چین در درجه اول به امکانان و توان هوایی و دریایی نیاز دارد. بنابراین، در کوتاه‌مدت، ایالات متحده ممکن است بتواند از ارتش خود هم‌زمان برای مقابله با روسیه و چین استفاده کند. چراکه بسیاری از امکانات دوربرد و تجهیزات شناسایی مورد نیاز برای تقویت دفاع در برابر روسیه، همان‌هایی هستند که برای مقابله با چین در حال توسعه نیز کاربرد دارند. در مجموع، اگر ممانعت از ظهور هژمون در اوراسیا هدف اصلی استراتژی کلان ایالات متحده باشد، پاسخ این کشور به جنگ در اوکراین ممکن است هر چیزی به جز یک استراتژی مناسب باشد (Mularine Grobe, 2022).

در مورد ایجاد اروپای «یکپارچه، آزاد و در صلح»، واقعیت آن است که سیاست آمریکا در قبال اوکراین نشان می‌دهد که این هدف جاه‌طلبانه از ابتدا مشکل‌ساز بوده است. بدون اعمال سیطره آمریکا بر قاره اروپا و تحمیل دموکراسی، ایجاد اروپای واقعاً یکپارچه، آزاد و در صلح، مستلزم آن است که در زمان پیشبرد دموکراسی و یکپارچگی هیچ رقابت یا درگیری بین دولت‌های اروپایی حادث

نشود. چنین فرایندی از همان ابتدا، بلندپروازی آمریکا را گروگان تحولات منطقه‌ای خارج از کنترل آن کشور قرار خواهد داد و چنانچه یکپارچه‌سازی یا دموکراسی کند شود یا تنش‌ها به وجود آید، ایالات متحده بالاچاره باید از بین سه هدف اعلامی دو هدف را انتخاب کند (Posen, 2020).

افزایش تنش‌ها بین روسیه و اوکراین از اواسط دهه ۲۰۱۰، موضوع معامله و مصالحه در منطقه را برجسته‌تر کرد. دولت و بسیاری از شهروندان اوکراین خواهان ادغام بیشتر در اروپا و نهادهای منطقه‌ای هستند. با این حال، دیپلمات‌های آمریکایی و تحلیلگران اطلاعاتی حامی اوکراین همواره هشدار داده‌اند که آرزوهای ادغام و عضویت در نهادهای اروپایی خطر بروز بحران با روسیه و ترسیم خط تقسیم جدیدی در اروپای شرقی را به همراه خواهد داشت. در مقابل، ایالات متحده می‌توانست به صلح، ثبات و اجتناب از ایجاد خطوط تقسیم جدید در سراسر اروپای شرقی از طریق مصالحه با مسکو اولویت بخشد، لیکن این خواسته تنها در صورتی قابل اجرا بود که واشنگتن محدودیت‌هایی را برای ادغام اوکراین در جهان غرب می‌پذیرفت و احتمالاً تا حدودی نفوذ روسیه را بر اوکراین تحمل می‌کرد. همان‌گونه که گزینه‌های آمریکا در سال ۲۰۱۴ نشان می‌دهد، سیاست‌گذاران آمریکایی برای مقابله با چنین معامله‌ای، گام‌هایی برداشتند که اگر علت مستقیم جنگ فعلی روسیه و اوکراین نباشند، رکن «در صلح» مثلث سه‌گانه اروپای «یکپارچه، آزاد و در صلح» را به شدت تضعیف کردند. مثلث سه‌گانه «یکپارچه، آزاد و در صلح» هدفی قابل ستایش بود. با این حال، بازپروزی این بلندپروازی هرگز به‌طور واقعی در اختیار واشنگتن قرار نداشت، لذا به تدریج به پس‌زمینه سیاست‌های آن کشور انتقال یافت (Corbet, 2022).

منافع آمریکا و جنگ اوکراین

بر اساس مطالب بیان‌شده، اگر منافع ادعایی ایالات متحده در اوکراین ضعیف است

کالبدشکافی راهبرد و اهداف آمریکا در... ۲۱

و سیاست فعلی ایالات متحده را نمی‌توان با توجه به دستورات استراتژیک کلان آن کشور توجیه کرد، آیا آمریکا اساساً باید به حمله روسیه به اوکراین اهمیت می‌داد؟ اگر چنین باشد، بازنگری در سیاست ایالات متحده ممکن است چه مواردی را شامل شود؟ استراتژی مستلزم تعیین اولویت‌ها و تخصیص منابع نسبتاً کمیاب برای تحقق اهداف است. با این حال به نظر می‌رسد در دوره پس از جنگ سرد و استقرار نظام تک‌قطبی در جهان، آمریکا اولویت‌های روشنی برای خود تعیین نکرده و نگرانی زیادی در خصوص منابع نداشته است. چرخش قدرت به نفع آمریکا، سیاست‌گذاران این کشور را قادر می‌کند اهداف متفاوتی همچون گسترش ناتو، تغییر رژیم در خاورمیانه و پوشش حفاظتی در برابر چین را دنبال کنند بدون اینکه نگران باشند منابع از کجا تأمین می‌شوند یا قطعات این جورچین‌ها چگونه باهم هماهنگ می‌شوند (Polyakova, Fried. 2022).

امروزه شرایط بسیار متفاوت است و احتمالاً دشوارتر خواهد شد. ترکیبی از تقاضاهای داخلی به همراه تجدید رقابت ژئوپلیتیک به‌ویژه در آسیا که چین محتمل‌ترین نامزد کسب هژمونی اوراسیاست، سیاست‌گذاران آمریکایی را واداشته تا اولویت‌های ایالات متحده را مجدد مورد ارزیابی قرار دهند و محل تأمین منابع موردنیاز تعیین کنند. در مقایسه با دوره جنگ سرد، اروپا دچار تنزل رتبه شده است. از این منظر، منافع آمریکا در اوکراین محدود است. نخست، ایالات متحده منافع زیادی در اجتناب از تشدید تنش با روسیه بر سر اوکراین چه به دلیل دخالت مستقیم در درگیری یا به احتمال زیاد به دلیل سرایت درگیری به خارج از مرزهای اوکراین دارد. به همین سبب، در آمریکا تمرکز بیشتر بر کاهش احتمال کشیده شدن واشنگتن به رویارویی گسترده با روسیه است که در نهایت ممکن است به بحران و جنگ هسته‌ای منجر شود و جهان را در پرتگاه نابودی قرار دهد (Parker and Rauhala. 2022).

دوم، ایالات متحده بشدت اجتناب دارد از اینکه روابط آن با روسیه چنان فروپاشد که اولاً، هرگونه تعامل با مسکو در خصوص موضوعات موردعلاقه

دوجانبه همانند کنترل تسلیحات، مبارزه با تروریسم، تغییرات آب‌وهوا در آینده غیرممکن شود؛ و دوم، آن‌طور که هنری کسینجر هشدار می‌دهد، مسکو به دنبال «اتحاد دائمی در جای دیگر» یعنی با چین است. چنین پیامدهایی، نقشه راهبردی ایالات متحده را پیچیده و سختی اصلاحات در حال انجام در راهبرد کلان آن کشور را هم‌زمان با پایان دوره تک‌قطبی تشدید می‌کند (O'Rourke, 2020).

سوم، محدود کردن پیامدهای اقتصادی جنگ اعم از خسارات مستقیم جنگ و یا ناشی از تحریم‌های اعمال‌شده به روسیه، آن‌هم در زمانی که پیامدهای همه‌گیری کووید همچنان چشم‌انداز اقتصاد جهانی را تیره کرده، حائز اهمیت است. ایالات متحده منافع حداقلی در حفظ توازن قدرتی دارد که تقریباً مطلوب کشورهای اروپایی است و به‌عنوان سیاست تضمینی در برابر خطر روسیه یا برخی دیگر از کشورهای توسعه‌طلب عمل می‌کند. قابل‌ذکر است که این علاقه آخری و درس عبرت دادن به روسیه یا دیگران از طریق وارد آوردن خسارات اقتصادی آسیب عملی نمی‌شود، بلکه از طریق کاهش فرصت‌ها برای بزرگنمایی روسیه در آینده به دست می‌آید (Berger, khudov, 2022).

به نظر تحلیلگران آمریکایی، هزینه کردن برای چنین اهداف محدود و درعین‌حال مهم، نیازمند تعدیل سیاست ایالات متحده از چند جهت مهم است: در عمل، محدود کردن خطر تشدید تنش، کاهش پیامدهای اقتصادی و اجتناب از جدایی غیرقابل‌برگشت با مسکو، مستلزم پایان دادن به درگیری بدون کشاندن بیشتر ایالات متحده به این درگیری است. این موضوع با توجه به توزیع قدرت در عرصه نبرد و تمایل آشکار روسیه به تحمل هزینه‌های بسیار بیشتر به معنای تحت‌فشار قرار دادن کیف برای مذاکره با روسیه و سوق دادن مسکو به سوی برقراری توافق دیپلماتیک برای پایان دادن به مناقشه است. بنابراین، امریکا مجبور است از موضع اعلامی خود مبنی بر وادار کردن کیف به نشستن پشت میز مذاکره عدول کند و به‌منظور ایجاد انگیزه‌های مثبت یا منفی برای نیل به

کالبدشکافی راهبرد و اهداف آمریکا در... ۲۳

این هدف به‌طور بالقوه در کمک‌های خود به اوکراین دست‌کاری کند. همچنین، ایالات‌متحده باید راهی برای بازگشایی گفت‌وگو با مسکو بیابد و در این جهت مشوق‌های کافی در قالب کاهش تحریم‌ها یا پاداش‌های احتمالی دیگر برای پایان دادن به جنگ به روسیه بدهد (Altman, 2022).

در این صورت، آمریکا در دو سطح شاهد دستورهایی خواهد بود. در سطح نخست، هر چه در اوکراین اتفاق بیفتد، ایالات‌متحده حداقل منافع خود را خواهد داشت. البته اگر اوکراین محور توازن قوا یا نظم لیبرالی بود، این وضعیت فرق می‌کرد، لیکن اوکراین چنین جایگاهی ندارد. بنابراین، حتی اگر جهان شاهد تجاوز مجدد روسیه به اوکراین در آینده باشد از این تراژدی بزرگ‌تر نخواهد بود که ایالات‌متحده به ورطه درگیری احتمالی با روسیه بدون داشتن هدف استراتژیک یا تسهیل در ظهور هژمون واقعی در اوراسیا کشانده شود و زمان و منابع خود را به آن تخصیص دهد (Shifrinson, 2022) شاید این نخستین بار نباشد که ایالات‌متحده آمریکا در ارزیابی مجدد منافع و اولویت‌های خود، شرکا و متحدانش را به فداکاری سخت در حین برخورد با متجاوز واقعی یا بالقوه وادار می‌کند. سیاست‌های مشابهی در پشت تلاش ایالات‌متحده برای پایان دادن به جنگ ویتنام، تقسیم آلمان در زمان جنگ سرد و تقویت قراردادهای مختلف بین اعراب-اسرائیل و فلسطین-اسرائیل وجود داشته است. همه این درگیری‌ها با برنده شدن طرف موردنظر ایالات‌متحده در پشت میز دیپلماتیک به پایان نرسیدند. باوجوداین، ایالات‌متحده توانست حداقل منافع خود را در پس این‌گونه تحولات تاریخی مختلف حفظ کند و به نظر می‌رسد در اوکراین نیز منافع محدود خود را با استفاده از قواعد بازی مشابه پیش ببرد (Posen, 2020).

در خصوص حفظ توزیع قدرت مطلوب، ایالات‌متحده پس از جنگ اوکراین، تلاش‌های اروپا را برای مسلح و متحدشدن مستقل از آمریکا را تشویق خواهد کرد. تا به امروز، سیاست‌گذاران ایالات‌متحده چشم‌انداز «احیای ناتو» را از

طریق افزایش هزینه‌های دفاعی اروپا، تمرکز کشورهای اروپایی بر منافع نظامی جدیدشان در اتحادیه اروپا، ائتلاف با متحدان جدید و تأکید بر تعهدش به دفاع از کشورهای فرا آتلانتیک دنبال می‌کردند. این اقدام با توجه به نگرانی‌های طولانی‌مدت موجود در خصوص "سواری مجانی" متحدان، تغییر مأموریت ناتو و آینده رهبری آمریکا در اروپا قابل‌درک است. با این حال، از آنجاکه توجه ایالات متحده به سمت آسیا معطوف شده، وابستگی دفاعی اروپا به ایالات متحده به‌عنوان ضامن امنیت می‌تواند همچنان مشکل‌ساز باشد. ایالات متحده تلاش خواهد کرد تا علاقه اروپا را در امور نظامی به سمت استقلال استراتژیک و ارتقاء تجهیزات و ابزارهای نظامی هدایت کند. با توجه به توزیع مناسب نیرو با سرمایه‌گذاری اندک در سیستم لجستیک، تجهیزات شناسایی، سازوکارهای فرماندهی و کنترل و مهمات هوشمند به‌عنوان حوزه‌های اولویت‌دار، استقلال نظامی اروپا تحقق یابد (US Senate committee on Appropriations, 2020).

نتیجه‌گیری

سیاست آمریکا در پاسخ به تهاجم روسیه به اوکراین سیاستی راهبردی بود. محکومیت دیپلماتیک تهاجم، تحریم‌های شدید و تحویل تسلیحات به اوکراین برای جلوگیری از پیروزی آسان روسیه در جنگ انجام شد. لیکن خطرات ذاتی بازی در حیاط خلوت یک دولت قدرتمند و دارای سلاح هسته‌ای آن‌هم در زمان تغییر اولویت‌های راهبردی ایالات متحده و چرخش آن به سوی شرق آسیا و چین، بسیار حائز اهمیت است. از سوی دیگر، منافع ایالات متحده در اوکراین حیاتی و راهبردی نیست و این کشور جایگاه مهمی در نظم بین‌المللی لیبرال ندارد. در نتیجه، ایالات متحده تلاش می‌کند در گام نخست از طریق پشتیبانی تسلیحاتی به اوکراین نوعی توازن در خطوط نبرد ایجاد کند و سپس با اعمال فشار و تعامل هم‌زمان با کیف و مسکو، دو کشور را به سوی مذاکره برای

حل و فصل مناقشه سوق دهد. چراکه منافع آمریکا در اوکراین به آن حد نیست که اولویت چین در سیاست ایالات متحده را تحت الشعاع قرار دهد.

References

- Alexander Gabuev, China's New Vassal, *Foreign Affairs*, August 9, 2022, <https://www.foreignaffairs.com>.
- Alina Polyakova, Daniel Fried, Putin's Long Game in Ukraine, *Foreign Affairs*, February 23, 2022, <https://www.foreignaffairs.com/articles/Ukraine/2022-02-23/putins-long-game-ukraine>.
- Alina Polyakova, Daniel Fried, Putin's Long Game in Ukraine, *Foreign Affairs*, February 23, 2022, <https://www.foreignaffairs.com/articles/ukraine/2022-02-23/putins-long-game-ukraine>.
- Andrea Shalal, Inti Landauro, Biden Bolsters Long-term U.S. Military Presence in Europe, *Reuters*, June 29, 2022, <https://www.reuters.com/world/us/biden-says-us-changing-force-posture-europe-based-threat-2022-06-29/>;
- Andrew Kydd, Will NATO Fight Russia Over Ukraine? The Stability-Instability Paradox Says No, Political Violence at A Glance, March 24, 2022, <https://politicalviolenceataglance.org/2022/03/24/>
- Anna Mulrine Grobe, what a US Military Base in Poland May Signal for NATO, *Christian Science Monitor*, August 5, 2022, <https://www.csmonitor.com/USA/Military/2022/0805/What-a-US-military-base-in-Poland-may-signal-for-NATO>;
- Antony Blinken, *Secretary Blinken's Remarks*, U.S. Department of State, March 4, 2022, <https://www.state.gov/secretary-antony-jblinken-at-a-press-availability-15/>.
- Ashley Parker and Emily Rauhala, Biden and NATO Send Russia Defiant Message, *Washington Post*, June 29, 2022, <https://www.washingtonpost.com/politics/2022/06/29/biden-nato-defiant-russia/>.
- Atlantic Council, *Why Ukraine's Success is in the U.S. National Interest*, February 4, 2022, https://www.youtube.com/watch?v=K6OUQe_Za18.
- Barry R. Posen, Europe Can Defend Itself, *Survival* 62, no. 6 (2020): 7-34, <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/00396338.2020.1851080>.
- Dan Altman, The West Worries Too Much About Escalation in Ukraine," *Foreign Affairs*, July 12, 2022,

- <https://www.foreignaffairs.com/articles/ukraine/2022-07-12/west-worries-too-much-about-escalation-ukraine>.
- David Adesnik and Michael McFaul, Engaging Autocratic Allies to Promote Democracy, *The Washington Quarterly* 29, no. 2 (2006): 5–26.
- Hal Brands, Opposing China Means Defeating Russia, *Foreign Policy*, April 5, 2022, <https://foreignpolicy.com/2022/04/05/china-russia-war-ukraine/>.
- Ishaan Tharoor, The War in Ukraine Underscores a Moment of Democratic Crisis, *Washington Post*, April 20, 2022, <https://www.washingtonpost.com/world/2022/04/20/democratic-decline-authoritarianism-ukaine>.
- Ishaan Tharoor, The War in Ukraine Underscores a Moment of Democratic Crisis, *Washington Post*, April 20, 2022, <https://www.washingtonpost.com/world/2022/04/20/democratic-decline-authoritarianism-ukaine>.
- Jen Judson, Congress Wants More Troops in Europe as War in Ukraine Drags On, *Defense News*, July 1, 2022, <https://www.defensenews.com/land/2022/07/01/congress-wants-more-troops-in-europe-as-war-in-ukraine-drags-on/>;
- Jill Lawless, Joseph Wilson, Sylvie Corbet, NATO Vows to Guard ‘Every Inch of Territory’ as Russia Fumes, *AP News*, June 30, 2022, <https://apnews.com/article/russia-ukraine-nato-putin-madrid-9b249117b645e461f09cd0b4cb4afc02>.
- Jim Garamone, Biden Announces Changes in U.S. Force Posture in Europe, *DoD News*, June 29, 2022, <https://www.defense.gov/News/NewsStories/Article/Article/3078087/biden-announces-changes-in-us-force-posture-in-europe/>.
- Jim Garamone, Official Talks DOD Policy Role in Chinese Pacing Threat, Integrated Deterrence,” *DoD News*, June 2, 2021, <https://www.defense.gov/News/NewsStories/Article/Article/2641068/official-talks-dod-policy-role-in-chinesepacing-threat-integrated-deterrence/>.
- Joseph R. Biden Jr., President Biden: What America Will and Will Not Do in Ukraine, *New York Times*, May 31, 2022, quoted in Robin Wright, “Ukraine is Now America’s War, Too,” *New Yorker*, May 1, 2022, <https://www.newyorker.com/news/daily-comment/ukraine-is-nowamericas-war-too>.
- Kimberly Atkins Stohr, As War Drags on in Ukraine, Is It Time to Talk Compromise? *WBUR*, June 21, 2022, <https://www.wbur.org/onpoint/2022/06/21/ukraine-russia-america-conflict-war-over-applebaum>.

- Kyle Lascouettes, *Orders of Exclusion: The Strategic Sources of Order in International Relations* (Charlottesville, VA: University of Virginia, 2012).
- Laura Secor, Henry Kissinger Is Worried About 'Disequilibrium' *Wall Street Journal*, August 12, 2022, <https://www.wsj.com/articles/henrykissinger-is-worried-about-disequilibrium-11660325251>;
- Lindsey A. O'Rourke, The Strategic Logic of Covert Regime Change: US-Backed Regime Change Campaigns during the Cold War, *Security Studies* 29, no. 1 (January 1, 2020): 92–127, <https://doi.org/10.1080/09636412.2020.1693620>.
- Lindsey A. O'Rourke, The Strategic Logic of Covert Regime Change: US-Backed Regime Change Campaigns during the Cold War, *Security Studies* 29, no. 1 (January 1, 2020): 92–127, <https://doi.org/10.1080/09636412.2020.1693620>.
- Marc A. Thiessen, If Putin is Allowed to Invade Ukraine, America's Credibility Would Lie in Tatters, *Washington Post*, February 8, 2022, <https://www.washingtonpost.com/opinions/2022/02/08/ukraine-russia-war-united-states-china/>.
- Michael Crowley, Biden's Stand on Ukraine Is a Wider Test of U.S. Credibility Abroad, *New York Times*, December 16, 2021, <https://www.nytimes.com/2021/12/16/us/politics/biden-russia-ukraine.html>.
- Michael McFaul: U.S. Has a Major Strategic Interest to Help the Ukrainians Win the Battle of Donbas' April 20, 2022, <https://www.yahoo.com/news/amb-michael-mcfaul-ukraine-183111659.html>.
- Miriam Berger and Konstantin Khudov, As War Grinds On, Old Ukrainian Political Divisions are Re-Emerging, *Washington Post*, August 3, 2022, <https://www.washingtonpost.com/world/2022/08/03/ukraine-political-divisions-zelensky-mayors/>.
- Miriam Berger and Konstantin Khudov, As War Grinds On, Old Ukrainian Political Divisions are Re-Emerging, *Washington Post*, August 3, 2022, <https://www.washingtonpost.com/world/2022/08/03/ukraine-political-divisions-zelensky-mayors/>.
- Miriam Berger and Konstantin Khudov, As War Grinds On, Old Ukrainian Political Divisions are Re-Emerging, *Washington Post*, August 3, 2022, <https://www.washingtonpost.com/world/2022/08/03/ukraine-political-divisions-zelensky-mayors/>.
- Misreading the Liberal Order: Why We Need New Thinking in American Foreign Policy, *Lawfare*, July 29, 2018, <https://www.lawfareblog.com/misreading-liberal-order->

- why-we-need-new-thinking-american-foreign-policy.
- Natasha Bertrand, Kylie Atwood, Kevin Liptak, Alex Marquardt, Austin's Assertion that US Wants to 'Weaken' Russia Underlines Biden Strategy Shift, *CNN*, April 26, 2022, <https://www.cnn.com/2022/04/25/politics/biden-administration-russia-strategy/index.html>.
- Randall L. Schweller, Tripolarity and the Second World War, *International Studies Quarterly* 37, no. 1 (1993): 73–103, <https://doi.org/10.2307/2600832>.
- Richard Fontaine, Why Russia Must Fail in Ukraine, *CNAS*, July 6, 2022, <https://www.cnas.org/publications/commentary/why-Russia-must-fail-in-Ukraine>;
- Robbie Gramer, Putin's Invasion Has Turbocharged NATO Defense Spending, *Foreign Policy*, June 30, 2022, <https://foreignpolicy.com/2022/06/30>.
- Russia's War in Ukraine: How Does it end?* Council on Foreign Relations, May 31, 2022, <https://www.cfr.org/event/russiaswar-ukraine-how-does-it-end>.
- Russia-Ukraine War: US Warns China Against Aiding Moscow, *Al Jazeera*, March 14, 2022, <https://www.aljazeera.com/news/2022/3/14/us-warns-china-against>.
- Shifrinson, Joshua. 2022, 'AMERICAN INTERESTS IN THE UKRAINE WAR'. [DEFP.ORG / @DEFPRIORITIES](https://defp.org/@DEFPRIORITIES).
- Stephen M. Walt, Will Teaching Aggressors a Lesson Deter Future Wars? *Foreign Policy*, June 2, 2022, <https://foreignpolicy.com/2022/06/02/>.
- Steven Feldstein, Ukraine Won't Save Democracy, *Foreign Affairs*, July 26, 2022, <https://www.foreignaffairs.com/world/ukraine-wont-save-democracy>.
- Steven Feldstein, Ukraine Won't Save Democracy, *Foreign Affairs*, July 26, 2022, <https://www.foreignaffairs.com/world/ukraine-wont-save-democracy>.
- Sylvie Corbet, NATO Vows to Guard 'Every Inch of Territory' as Russia Fumes, *AP News*, June 30, 2022, <https://apnews.com/article/russia-ukraine-nato-putin-madrid-9b249117b645e461f09cd0b4cb4afc02>.
- Timothy Bella, Kissinger Says Ukraine Should Cede Territory to Russia to End War, *Washington Post*, May 24, 2022, <https://www.washingtonpost.com/world/2022/05/24/henry-kissinger-ukraine-russia-territorydavos/>.
- Timothy Bella, Kissinger Says Ukraine Should Cede Territory to Russia to End War, *Washington Post*, May 24, 2022,

- <https://www.washingtonpost.com/world/2022/05/24/henry-kissinger-ukraine-russia-territorydavos/>.
- U.S. Senate Committee on Appropriations, "Fact Check," January 24, 2020, <https://www.appropriations.senate.gov/news/minority/fact-check-president-trumps-false-claim-equating-his-illegal-ukraine-aid-freeze-with-president-obamas-lawful-legitimate-pauses-on-aid>.
- William Burns, U.S. Department of State, <https://carnegieendowment.org/pdf/back-channel/2008EmailtoRice1.pdf>; <https://carnegieendowment.org/pdf/back-channel/2006Moscow6759.pdf>.
- William Burns, U.S. Department of State, <https://carnegieendowment.org/pdf/back-channel/2008EmailtoRice1.pdf>; <https://carnegieendowment.org/pdf/back-channel/2006Moscow6759.pdf>.